

حسابداری

به عنوان یک

حرفه اجتماعی و اخلاقی

وقتی همه ابعاد حسابداری را بشناسیم، ما نیز باید این موضوع را قدر بشناسیم که چگونه اخلاق در محور این حرفه قرار دارد و چگونه ممکن نیست آن را حرفه‌ای ابزاری و فنی محض قلمداد کرد. حرفه اخلاقی، حرفه‌ایست که کنش و بی‌کنشی آن در حال و آینده بر دیگران اثر می‌گذارد و به شکل‌گیری نظم اخلاقی سازمانها و جوامع کمک می‌کند؛ بنابراین بر رفتار فردی و سازمانی نیز اثر می‌گذارد.

تا آن‌جا که به آموزش حسابداری مربوط است، اگر حسابداری تنها به عنوان حرفه فنی پنداشته شود، پرسش مهم این‌جاست که حسابداری را چگونه باید انجام داد؟ اگرچه، وقتی حسابداری را یک حرفه اجتماعی و اخلاقی بدانیم، پرسشهای مهم اینها

بسیاری از افراد، حسابداری را کمی بیشتر از فنون، مفاهیم و رویه‌ها و به عنوان یک حرفه فنی می‌دانند. نه تنها عموم مردم، بلکه بسیاری از حسابداران نیز این عوامل را به عنوان **فوت‌وفن**^۱ حسابداری می‌شناسند. حسابداری به طور جدی به غلط معرفی شده است؛ البته اگر تنها به عنوان یک حرفه فنی در نظر گرفته شود. حسابداری حرفه‌ای است که زیربنا و توانمندی انجام اقدام سازمانی و بسیاری از فعالیتهای انسانی را فراهم می‌کند. در این مسیر، حسابداری به طور بنیادین یک حرفه اجتماعی است، که رفتار مردم در سازمانها و اجتماع را هدایت کرده و بر آنها اثر می‌گذارد؛ بنابراین بر زندگی ما و همچنین بر اداره و توسعه سازمانی و اجتماعی اثر می‌گذارد.

هستند: حسابداری چه می‌کند؟ و حسابداری چه باید بکند؟ دانشجویان، مربیان، و برنامه‌های حرفه‌ای باید به همه این پرسشها پاسخ بدهند. حسابداری باید در زمینه‌ای که در آن عمل می‌کند، آموخته، درک، و تمرین شود، و همچنین آثار حسابداری بر زمینه‌های فعالیتش نیز در نظر گرفته شود.

ما در شرایطی زندگی می‌کنیم که شاید به‌عنوان «عصر حسابداری» توصیف شود؛ یعنی جایی که در آن به ارقام عملکردی در شکل‌های مختلف اعتماد می‌کنیم و حتی احترام می‌گذاریم، و این ارقام در سازمانهای متبوع ما برای به‌کارگیری و دستیابی یا تخطی از شاخصهای مهم عملکرد^۲ (KPIs) استفاده می‌شوند. این همان جایی است که فوت‌وفن حسابداری در راهبری زندگی و شکل‌دهی به رفتار ما فراگیر می‌شود.

حسابداری، اهداف و فعالیت‌هایی که در مرکز مدیریت هستند را مشهود و محاسبه‌پذیر می‌کند. این نمایش واقعی به نظر می‌رسد؛ و بنابراین این احساس را به ما می‌دهد که واقع‌گرا هستیم و به‌چالش کشیده نخواهیم شد. یک نمونه اولیه از واقعیت‌های قبول شده در عمل، به‌طور معمول در شاخصهای مهم عملکرد سازمانی، قسمتی و فردی بیان می‌شود.

شاخصهای مهم عملکرد به‌طور معمول و با استفاده از گروهی از داده‌های حسابداری، به‌وسیله حسابداران حرفه‌ای طراحی و تهیه می‌شوند تا امکان اقدام و رفتار را فراهم، یا این امکان را سلب کنند.

حسابداران به‌طور معمول اطلاعاتی را تولید می‌کنند که شاخصهای مهم عملکرد بر آن اساس تهیه می‌شوند؛ بنابراین جایگاه ممتاز حرفه حسابداری را در جامعه تثبیت می‌کنند.

شاخصهای مهم عملکرد به‌طور موثر نادیدنی هستند؛ اما به‌واقع در فضای کسب‌وکار، سازمانهای عمومی و اجتماعی جریان دارند. آنها، به‌طور نمونه، در هواپیماها، قطارها و اتوبوسها، در زمین فوتبال، در بانکها و درون دولتهای محلی عمل می‌کنند. آنها بر رفتار سازمانی از هر نوع، که به زندگی ما مربوط است، اثر می‌گذارند.

حسابداری در دوره جدید، با تکیه بر جایگاه ممتازش، به‌عنوان ابزاری مهم برای هدایت و راهبری سازمانها،

اقتصادها و جوامع، قدرتمند است. پذیرش ابعاد اجتماعی حسابداری، به ابعاد اخلاقی این حرفه اجازه می‌دهد که نمایان شده و دروغ حسابداری به‌عنوان یک حرکت غیراخلاقی را پاک کند. به‌دادن به حسابداری به‌عنوان حرفه فنی، حرفه اجتماعی و حرفه اخلاقی، همه ابعاد حسابداری را شکل می‌دهد.

با برتری دادن به همه ابعاد حسابداری، این حرفه دیگر به‌عنوان فن یا وسیله‌ای در نظر گرفته نمی‌شود که ویژگی‌هایش اگر بی‌اثر نباشند، خنثی هستند. این باور، ابعاد اجتماعی و اخلاقی حرفه را نادیده می‌گیرد. حسابدار یک صنعتگر نیست بلکه یک متخصص است که باید تخصص را به‌دست آورده و از آن استفاده کند و همچنین، قضاوت‌های حرفه‌ای و اخلاقی انجام دهد. حسابداری اهدافی دارد؛ همانطور که روش‌هایی نیز دارد. با استناد به‌گفته ارسطو^۳، حسابداری به‌عنوان یک حرفه، بیشتر شبیه به سلامتی برای پزشکی است، تا کشتی برای کشتی‌سازی.

خوشبختانه، حرفه حسابداری اگر خویش‌آگاه باشد، فرصت دارد تا برای آثارش پاسخگوتر باشد. تمرکز بر آثار اجتماعی و اخلاقی حسابداری، بعد تازه‌ای برای اندازه‌گیری و مدیریت عملکرد فراهم می‌آورد.

آثار حسابداری، به پیامدهای خواسته‌شده و ناخواسته، هر دو، مربوط است. درحالی‌که پیامدهای خواسته‌شده به‌طور معمول بیشتر به‌چشم می‌آیند و شاید بزرگنمایی شوند، که منجر به معرفی شاخص عملکردی یا مجموعه‌ای از شاخصهای عملکردی برای اندازه‌گیری پدیده مورد انتظار می‌شود، پیامدهای ناخواسته، که شاید مثبت یا منفی باشند، اغلب از طرف حسابداران چندان طرف توجه نیستند. رسواییهای شرکتی به‌دلیل افسارگسیختگی شاخصهای مهم عملکرد روی داده‌اند، که منجر به تخلف و ارائه اطلاعات نادرست می‌شوند. شرکت خدمات مالی **ولز فارگو**^۴، نمونه‌ای از این مورد است.

همگی می‌توانیم تجربه‌های شخصی خود از کارکردن با، یا درواقع مخالفت با شاخصهای مهم عملکرد خود یا دیگران را در میان بگذاریم، که منجر به آثار ناخواسته منفی یا زیان‌آور بر رفتار در سازمانها، با پیامدهای نامساعد بر کارکرد و توسعه

ناسازگار باشند، که منجر به سردرگمی، کمبود روحیه و میان‌مایگی درونی در عملکرد سازمانی شود، از رویکرد «تصویر بزرگ» استفاده کنند.

مهم است که حسابداران حرفه‌ای چشم‌اندازی گسترده درباره پیامدهای آنچه در معرض حسابداری قرار می‌گیرد و یا با آن تغییر می‌کند، به دست آورند؛ شامل پیامدها، چه خواسته شده باشد یا ناخواسته. چشم‌انداز گسترده، همراه با یک پنداره اخلاقی که به‌طور مناسبی در ذهن جاگرفته باشد، که به‌موجب آن می‌توان برای مشکلات پیچیده، راه‌حلهای اخلاقی در نظر گرفت و توسعه داد، این امکان را فراهم می‌کند که حسابداری حرفه‌ای بنیادی برای کسب‌وکار و فراتر از آن باشد. افسوس، این تنها حرفه حسابداری نیست که باید بر محتوا و تعهدهای اجتماعی و اخلاقی خود تمرکز کند. حرفه باید مشارکت بهتری با همه سودبران حرفه داشته باشد، تا آنها حرفه را آن‌گونه که هست ببینند؛ نه تنها به‌عنوان یک حرفه فنی.



پانوشتها:

- 1- Nuts and Bolts
- 2- Key Performance Indicators (KPIs)
- 3- Aristotle
- 4- Wells Fargo

منبع:

Eva Tshauridu, Garry Carnegie,
Accounting as a Social and
Moral Practice, IFAC.org, 2018

سازمانی و اجتماعی شده است. به‌عنوان نمونه، در یک دانشکده ممکن است، به دانش‌پژوهان هدفیابی داده شود تا برای کمکهای مالی پژوهشهای مستقل درخواست بدهند، به‌جای این‌که به آنها هدفیابی داده شود برای درآمد واقعی پژوهش که باید جذب شود. نتیجه ممکن است این باشد که دانشکده از نظر تعداد کمک هزینه‌های درخواست شده، عملکرد بالایی داشته باشد؛ بدون توجه به این‌که آیا هیچ درآمد پژوهشی به دست آمده است یا خیر. برای نمونه، یک دانشکده فرضی ممکن است تعداد متوسط ۱۲ درخواست کمک مالی به یک نهاد تامین مالی پژوهشی خاص داده باشد، تنها برای آن‌که همه آنها رد شوند. شاخص مهم عملکردی به‌کارگرفته شده، آنچه را که باید سنجیده شود، اندازه نگرفته است؛ این در واقع یک شکست است.

در راستای گسترش و افزایش پاسخگویی، حسابداران حرفه‌ای باید به آثار سنجه‌های عملکردی به‌کارگرفته شده و گزارش شده به هیئت‌مدیره، مدیران و کارکنان بیشتر بیاندیشند؛ شامل همه پیامدهای استفاده از شاخصهای مهم عملکردی یا مجموعه‌ای از شاخصها. انتظار می‌رود که گزارشگری آثار شاخصهای مهم عملکردی، به احتمال موجب شود که حسابداران، به‌عنوان رهبران و شرکای تجاری، ضمن هشیاری نسبت به امکان این‌که بعضی شاخصهای مهم عملکردی به‌طور کلی با دیگر شاخصها

حرفه حسابداری

باید مشارکت بهتری

با همه سودبران

داشته باشد

تا آنها

حرفه را آن‌گونه که

هست ببینند نه تنها

به‌عنوان یک

حرفه فنی